

کتابخانه
ترجمه میرزا محمود لنگری

بازرسی شد
۱۳۸۲

بازرسی شد
۱۳۸۲

۴۱۷۱

نمره دفتر ۱۸۸۹ ^{۷۶۰۹}
کتابخانه مجلس شورای ملی
جلد ۱
منجمله کتب خریداری شده
ف ۳۸۱۲

۳۰۰

۳۹۸۲

بازدید شد
۱۳۸۲

۴۱۷۱

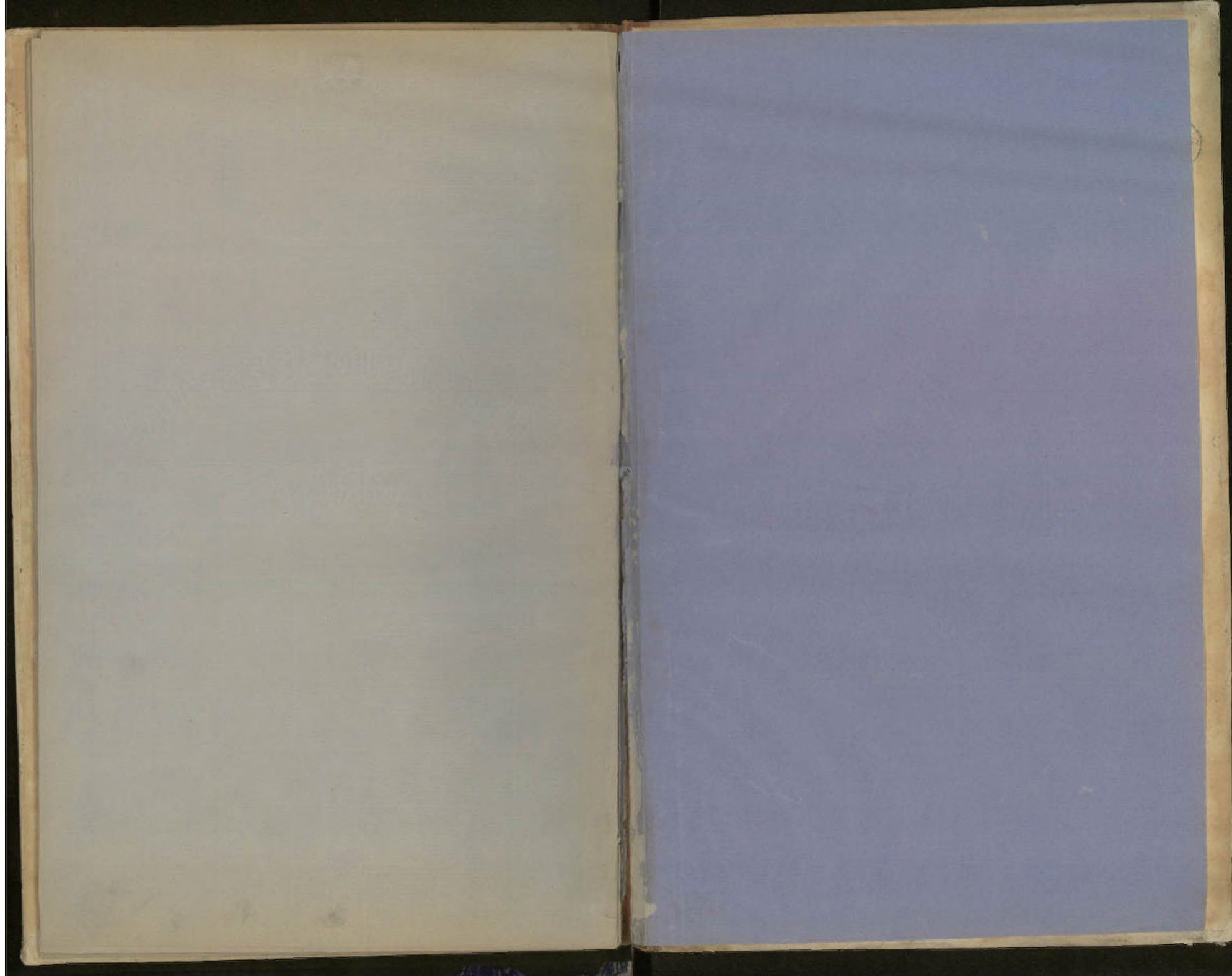
نمره دفتر ۱۸۸۶ ^{۷۶۰۹}
کتابخانه مجلس شورای ملی
جلد هفتم و نهم
منجمله کتب خریداری حقه
ف ۳۸۱۲

ص ۲۰

کتابخانه
ترجمه میرزا محمد زکریا

بازرسی شد
۳۶۰-۱۷۲

کتابخانه
۳۶۸۲





رحمة اخبارات اخبار روز و راجات الخلیسی از مورخه ماه رانویه

پطرزبورغ ۱۸ رانویه

چنانچه قاتلان کلسن سوادکین پس از تحقیر تحکیم حکومت گرفتند از در اجباری که از ماست کوریه
بازگشتی و در قتلخانه سوادکین که قبل از وقت در واقع قتل گاه سوادکین اطلاق داشتند
و مشورتی در آن باب با آنها شده بود بچگونگی حکومت گرفتار گردیده اند

وایه

اعلیحضرت امپراطور اطریش نامه که بمسئولین بدو رسیده و در و شاده جدید دولت
روس برلین نوشته شده است را به وایه و حوت کرده اند که در مراجعت به پطرزبورغ از طریق وایه
آمده باشد چنانچه خبر است که در وقت همانین دولتین روس و اطریش بکلی بر
طرف شده این دعوت باید بفرقت و اهمیت گرفت بلکه بهر جهت

که در وقت و ملائمتی دلسای عموم روسیه با طرف خواهد شد در غالب دوازد و گنجی است
از ارتباط و مودت همانین دول مثله روس و آلمان و اطریش پانزده است آینه نمایند

پطرزبورغ

موجب اخبار یکروز نامه صون پطرزبورغ حسب الاخبار وزارت خارجه نوشته است

بنا بر دعوت اعلیحضرت امپراطور اطریش مسیود و در مراجعت با چا از طریق وایه خواهد آمد
که در آنجا نسبت به ارام اعلیحضرت شالیه درباره آن اخبار امتنان و تکریم نماید

ایطالی

موجب اخبار یکروز نامه رسیده که کنگ با برت پادشاه ایطالی در ریخمار خودتیم پطرزبورغ ظاهر
داده که به مجلس و برای روس اخبار رضامندی از اتفاق میانین دولتین آلمان و روس نماید
و همچنین اخبار دخول خود در این ساهره جدید نماید زیرا که بحسب در برای دولت
ایطالی از این اتفاق مسلح آئینه دولسین مکررین اخبار امتنان خود نمایند

برلین

یک فرد کشتی روزه پوشش برکی که تبارگی از جهت دولت چین ساخته شده است با نام رسیده
و موسوم به بان شون است لهذا محض تبریک آن کشتی یک مهمانی عصرانه کمالی از

باب در ریخمار خود داده شد این کشتی درینیت ماند و تفرشتی پادشاه که در چندی
قبل ساخته شده است

اطالی

غازی شاپاشان استیلا از جانب دولت عثمانی به ایالت استاده شده بود و در روز
دار شد در حالتیکه پادشاه در دست حکمرانی خود بود و غازیشاپاشای منور با
نشان وارد شده ابلاغ رسالت خود را نمود پس ارکان بدین روز و جمعه پادشاه و معظم

پاریس

شاهت اردوی فرانسه بر دور و حوالی شهر ساشی جمیع شده احدی را یغیان در آنجا نیافتند
اردوی ساطوی بخشن کلته را اهل چین بدست

سنگاری

لایحه که چندی قبل در خصوص اقطاع از دواج فیما بین ملتین بود و می نویسد میبایست داده بشد
و بواسطه بعضی جهات موقوف گردیده بود اکنون مجدداً میبایست تقدیم و مشمول بهد انگره شده است

افریقای حبشونی

حاکم شهر فخران تازه کی یک استور سیون زرنکی که دارای حبشی صنایع نفیسه داخله بود با نفوذ
اجتماع و زراعت مخصوص احباب خد خفته نامورین بزرگ بنا بود جمیع شوند

در بنادول ماه فوریه اجتماع خواست نمود ملکوتی عیسیای مجدده در اساع صلیب و حرفت با یکدیگر

افکار و ملاحظات خبرال گردون در باره مصر

حک که ساطوی میبایست عمل مصری خود را نگاه داری نمایند بکذا آنها مصلحتی
خود را داشته باشند مادی که این حرکات یغیان اعراب دارد و گاه متمندی باید است
در آنوقت نوبار شاپاش از قاصد خود درباره سودان آزاد خواهد شد چنان کلان پریم

که یک نفر گور زجران بالخط و اقداری از جهت خارطوم بر دار خواهد نمود و آنها را
بقتل دارد و ملین لیره از لوازم فراموش خواهد آورد اینچنین منب کزانی در آنوقت
که محل و موقع آن است باید مصرف شود سپک پاش که دارای اقتدار کامل در بنان
وان نصیحتی است و درخواست این منصب میکند باید مگر زجران سودان مقرر شود

اینچنین لازم است را در خود را سر در اکل گرداند اینخطب باید در جمع سودانین
فرد گذارد که همچو بیجاقت ترکها یا چو کاسها اجازه داده نشد بر اینکه داخل قطعه

سودان شده را مثلی آنجا غارت و تیار و چشبهای خود را پر نمایند همچنین
به این نزدیک در کیفیت آزادی زنجیران اقدایی نخواهد شد این آزادی که در ۱۸۳۳

بعل آمد تیره انکستان بود به آنکه تیره اچنین روی که الان در سودان دید میشود

هرگونه اعدای در این باب بعل آمده باید تیر پنج به انجام رسانید مجلس عظم
به جهت انکار باید بسته از شود هرگاه نوبار پاشا لایق بداند بر اینکه قاضیان
انجلس با انالی بوی در این باب اجتماعی در اجرای عدالت و انصاف نمایند هم چنین تشکیلی
از جانب پولیس در این باب باید معین شود که بکلی این عمل با شرح را از روی زمین
موقوف نمایند نظر فقرات و انور آنچه بنظر میرسد در صورت معین شدن
نوبار پاشا مباشرت و سرپرستی اینکار شکی نیست که خانواده و وراثت امیر و انور را هم
به آنجا معاودت خواهند داد هرگاه از جانب حکومت مصر دستگیری و ادا شوند
و بهر ای پسر پاشا به آنجا دست داده شوند و دولت در پس گرفتن پاشا تحت خود که در بنا
یکی از ولایات معمره از انجا بود بر سرند و کامیاب کردند چنانچه ملک جلوسه
میسور در آن قضیه های سابقه را باید از حدیثه سینه خود و انود کرد و اتحادی بر آن شاهزاده
نداشته باش و اعتقاد خود را در باره پادشاهش مری می دارد لاف خارج از
ملک خود زود و او را بولوکاس را باید با نفع تسلیم شود و همچنین اجتماعی میجو

مصری هم باید نمید شود و انکه از نمودن مصوع یک اشتباهی خواهد بود

زیرا که باعث بر خرابی خواهد شد یک کسیونی باید دستاوه شود و مقابل عدل
به حاکم که بعضی چیزها را امتحان و رسیدگی نماید با وجود این استقامت و استحکام
در کار باز نمیشود بر آسانی قبول کرد که حکومت خدیوی دوباره در میان بحر احرار
جوی و تسخیم خواهد شد

اینکه در نزد بعضی بکمان میرسد که مخارج راهشگر کشی سودان بر مالیات و اجاره خالصه جات
مصر اصرار خواهد شد خلی فکری حاصلی است زیرا که اجاره خالصه جات قابل تحمل و ان
نمودن و دلیون لیره نیست و حال آنکه این مخارج سودان لاف اقل و دلیون لیره لازم دارد

زیرا که گاه داری مسافران و لیره و دلیون لیره مخارج لازم دارد این مخارج باید بر بکانه
مالیات بهر نحوی که ممکن باشد اصابه کرد و فو که مسافران چاره و انکه از بکانه شوند
و اما کن مصری آنها خالی شود باز هم یقین است که از این مبلغ مخارج نخواهد شد که نشسته از این
از خط سودان بکومت مصر خیری عاید می شود هر ساله دویست هزار لیره هم از
مصر به آنجا دست داده میشود با وجودیکه حکمرانی مصر در آنجا بطور موقتی خواهد بود

در این باب ایما می‌گفته پیچیده از مالیات سودان تجار نصیب نمایند این واقعه اعراس
سودان نیز به سبب آشوب و انقلاب و خسارت و زیان قدیوی مصر گردید بلکه باعث
باششکنی و عدم امنیت غالب حاکم عثمانی نیز می‌باشد هیچکس از اشخاصی که
حرکات باش بوز و قیاد چندی قبل در بلغاریا شده بود از این یاخیکری سودان
در مقابل خودیو تعجب و حیرت ندارد من استغفر الله اشتباه نمیدانم که متهمی از
پشوانای دمیاشی شمرده شود بلکه کلیه عرض و قصه او تصافی است همچنانکه عیون
امالی مصر و حقیقت مانند توانی پاشا شدم چنین سودانیا فطره مانند متهمی خواهند بود
زیرا که این بهم خورد و کی آنها نه شخص او او اجرای قوانین ملی است
بلکه برویت فطری و یاخیکری از حکومت است که در زمان حکمرانی من در نظر سودان
سه مرتبه خودیو سابق را متذکر ساخته یاد آوری نمودم که پیچیده بطریق و طرز است و قبل از
سودان نمیتوان حکمرانی نمود و هم در آن زمان بزرگ و چو کاسه‌هایی که در آنجا در
میانه امالی فتنه اخیر می‌گرد بعضی نکات سپوده با آنها می‌فهمانند و مردم را تعجب و
تشویق در یاخیکری می‌نمود و خبیثی جنک با کردم همچنین بعضی از دانشمندان آنجا

از قتل و شرارت ارضاف و اعتدال و آزاده کی تعظیم کردم و آنها را به اعلی درجه طاعت
و انقیاد نسبت به اوقات ماضیه در آوردم لیکن پس از منزل شدن من از آن
رکت و چو کاسه‌ها و قتیقت شمرده در پیش رفت مقاصد خود سعیا کردند و هر یکی از حرات
من پیروده و بی حاصل گردید جماعت سودانی مردمانی سهل انگار و خوش مسلک
هستند به اندک زمانی و جزئی استقامتی رشته طاعت آنها را میتوان بدست آورد
خیلی با مردمان متمددن خوشش دارند و همگی طالب پرورش و تربیت هستند
لیکن بواسطه این اعراس آنها و ذیب خوردن از رگها من زیاد افسرده و ملولم پیچیده خوش مذا
آنها در حالت اندام و هلاکت بنکرم تا بحال خیلی سعیا در حفظ و نگاهداری
ساحلویان بکار برده شده است این مطلب حاجت بر توفیق ندارد که رگها محض افغان
شخصی می‌خواهند این چهار مکان را نابود و مضمحل نمایند در این باب شک نیست
که نصف شتر و نیل خود را متوجه و متمرکز حرکات متهمی نموده اند بلکه اجواب
باینشین غالباً جوانان مفت اویند که نیکه بر دور و حوالی او جمع شده او را
مانده آفتاب جدیدی (میغسیری) بنده کی و ستایش نمایند

در این جا یک مطلب است که بچاکس اخلاقی در آن ندارد و آن امنیت که
تخلیه خارطوم موجب قواعد سیاسی خیلی ناموافق است خدیو متقدم که در غالب
اروپایان معتد و معروف به استمداد کالی است یک چنین تعصیری در حکمرانی خود
نگذیرد بجز آن میگویم در آن اوقات حالت مصر به چنین حالت آرام و زبیر بود

مصر الانوویه

خط متکرف فیما بین خارطوم و شهر سنار قطع گردیده و پسر چهار نفر از باغیان بر دور و سوار
خارطوم تاخت و تازیکنند حیدر پاشا در حالت ناخوشی است اداره مالییه به
مصطفی فتمی واگذار خواهد شد مصطفی فتمی همان شخصی است که خیلی سبی با کبار بود که در آن
امور خارجه را مقصدی شود و از جمله چهار نفر در رای سابق است وزارت فوائد عمومی
بعیده ذهب الرحمن رشیدی واگذار شده جزال گوردون و پسر پاشا مستحق ارا
در تخلیه سودان مصلحه نمیدانند لیکن در این باب سه شق بطریق مرتب شده اول این است
که باید بقوت اردو مائیتی خارطوم و سودان را از چنگ متممندی پرودن آورد شق ثانی آنکه بقوت
اردوهای عثمانی این کار را نمایم شق ثالث آنکه بالمره صرف نظر از آنجا کرده اردوهای ساندویرا

از آنجا تخلیه نمایم لهذا این مطلب را به کجای و آرای ستر نویسن میگویم بلکه امر را
اختیار نماید لیکن آنچه بطریق مرتب بکار بردن اردوهای هندوستانی خود در این باب
اصلح و اوفق باشد اکنون که رشته قاعده و قانون در این عصر کشیده است
همین قدر امروز این مطلب را باید متوجه و متحمل شد که یک قشون هند و دی که تعدادش هزار نفر
استدنیاف هزار میل راه مسافت تا مصر اقامت دارند با بودن اینگونه آشفتگی
در میانه اعصاب و نا امنی طرق و احاطه دشمنانی با اسلحه و قوه کامل انجام کار آن چاره کان
بجای نخواهد رسید انکار عوم انالی و روشای شکر و کسوری چانت که در هر نقطه که
آن چاره کان بدست طوائف یا جی که قرار شوند بهلاکت خواهند رسید مراجعت دادن آنها
در طرف دو ماه ممکن نیست هرگاه اکنون چاره در بجات دادن آنها بشود که بتوانند
مراجعت بمصر نمایند درینست در محل امکان و فرصت باید اردوهای دیگر مختص استیلا
و تسخیر متممندی و مرتبه آنجا فرستاده شوند

یکی از فوائد حرکات حوایی پاشا نسبت بعموم مصریان این اغتشاش سودان است چنانکه
پسر و بای پالمیون کورسیکان ننودند و بعد از شکست او بکلی ناپدید شدند

مصر

شخص معبری از انجلیس ان میهم مصر را اداره روزنامه طبعی نوشته است

آیا جهت اقامت مصر حقیقت آنحضرت بازرگانی به آنسویین بجهت خاطر حال سوز است
چنان بظن میرسد که ظهور همین احساسات تجمیع همان حرکات قنونی است که در چند ماه قبل
از انظار این سرزمین برپا شد در همان اوقات ملاحظه کردیم که مصریان باینکه خاطر خوش
خوانند کرده اند آنچه از یکی از رؤسای آنحضرتی پاشا بطور رسید در سه چهار ماه
قبل سترگلا و ستون اخبار داد که غرض از اقامت اردو در قطعه مصریه استقامت و تقویت
توفیق پاشا است لیکن اکنون قضیه برعکس افتاده هر چند که همین در زمانه
صلح و صواب دید خود برقرار کرده ایم لیکن خبر مقام خود مطلب دیگر را برپا می نهند
در همه صاحب منصبان مصری نمیتوانیم یک دو بین که دوازده نفر باشد بدست پاوریم که در جای
و انکار با ما هم خیال باشند اصل اشتباه ما در خصوص مصر بواسطه وجود قتال در
آنحضرت است فیما بین وادی نیل و آن دیلتای بواسطه یک پادشاه بزرگی فاصله و
جدایی بهر سبب هرگاه قصد محافظت آنجا نمایم باید یک حصه از اردو در پورت سعید

و استماع علیه بخاریم زیرا که نگاهداری قتال در نور باحث راست قنونی و اقامت قنونی
کشیان جابین بدریای لندن خواهد بود و این کار باید بجهت آیدین برادران کرده شود

معاورده حدیو مصر با خبرال قونسل انجلیس

این مراسلاتی که فیما بین حدیو و حکومت انگلستان شده به چه بجا آن اخباری که از یک قنونی
نگار بعضی روزنامهجات رسیده مناسبتی ندارد

از آن اخبار چنان استقفا میشود که حکومت مصر در تعهد نگاه داری حکومت خود نسبت نظر نقصان
ولایت **دارفور** و **کردفان** و آن نواحی باز هم خیال دارد سودان شیر قریب دولت
عثمانی واکندارد حکومت مصر نگاه داشتن قطعه سودان را از نگاهداری وادی حلفه
لازم تر میدانند و اسباب محافظت آنجا را فراهم میاورند محافظت خارطوم و
مبسنی بر دوش طمپاشد اولاً باید خود سر خارطوم از جانب اردوهای مصری بهر روشی
که ممکن باشد نگاهداری شود ثانیاً وادی حلفه و سایر جاهای دیگر باید از جانب اردوهای
انجلیسی نگاهداری شود

امروز سرانولین بانیک خبرال قونسل انجلیس از این قرار جواب فرستاده حدیو داده

انگلستان در مراجعت دادن اردو به جد و دی که در بابت روستای طایفه شده است مصلحت
 میدهد که از این رود خوشتر سر را نگاهدارند و آنحد و باید متوسط اردوهای صری
 نگه داری شود چنانکه در وقت حاجت و لزوم اردوی انگلیس هم به آنجا میرود یک طریق
 مستقیم چهار بجای داری خواهد بود که این یک شیوه استراحت و تسکین است زیرا که سخت
 بعیدی فیاچین آن دوسر حد می باشد در صورت فرستادن اردو و بهر دو آنها خبر است
 حشرات در میان سودی دیگر نخواهد بخشید و این سوال و جواب که در مجلس در را
 درباره کی برپا شده است در زیر ملاحظه و رسیدگی می باشد خیلی رکاووت و پو
 شناسی در این باب بکار برده میشود در اینجا لازم است که چند نفر از وزرا و اس
 شهر بوده باشد که ریاده از شریف پاشا درم خیالی و پیشرفت معاصد انگلیس
 ساعی باشند رضا پاشا و نوبار پاشا از جمله وزرای اول درجه می باشند که اکنون نزد
 معزول شده رضا پاشا که خود بجای ابا و استماع از این وزارت دارد
 نوبار پاشا هم از جمله اشخاص متعصب و وطن خود می باشد که پیوسته بایل و خوانان و کتا
 انگلیس نیست در محل امکان میخواهد مانع از پیشرفت انگلستان شود بلکه

اگر بتواند اشخاص معطاران خود را بر این خیال وادار میکند
از جمله مکالمات خدیو بخیرال قوسل انگلیس
 روزناجات انگلیسی و انما دارای اخبار مفید و مضمین شد این قدر اخبار
 و اطلاعاتی که از مملکت مصر آنها میرسد و در صحایف خود درج میکنند چه در خود
 مصر شنیده نمی شود مطالعه آن روزناجات و آگاهی از هر گونه مطالب مرغلی
 مفید است بطریق بعضی اشخاص چنان میرسد که من استعفاء خواهم کرد
 زیرا که در کشتن کردن تامل نمیام و اینجا چنین مثل شبهه و حیرت است
 که در این باب بی اطلاع باشم زیرا که پیوسته خیال استعفاء در خاطر من خطو نموده
 با وجود اینکه از زمان قبول نمودن سند خدیوی تا بحال پیوسته آسوده کی و استراحت
 ندیده ام و قتی که پدرم اسمعیل پاشا از خدیوی معزول گردید
 سرزدار و شایسته این کار دو نفر را دید اول مراد ثانی حیلیم پاشا پدرم
 یکی امید واری خانواده خود را بمن واکداز نمود اول کسی بود که مرا سلام داد
 واد شایسته بدخوبی میداند اول ستمی که بمن گفت در خصوص عدم انکار ازین

تجربو چنین بگوئی میباید در صورتیکه من ایا و اشاع از این تبه نیام حساب اندام
بسیان استی عمل او خواهد بود قبل از قبول اینکار از تکالیف و وظایف خود بواله غلام
داشتم پس آن اینکار را بعد از خود کردم اول و نیت که پیش نهاد خود نمودم اعت
و نهایت حال رعایا و صاحبان از راحت و مسامت بود

گویا بحسب مصالح مکتوبه ذیل من تکالیف خود را بجا آورده باید نمودم اول یعنی
که من شد در خصوص نفوذ و تسلط بر عایا بود و ثانی در خصوص راه برداری نمودن چنان
انگلیستان بود من سه شتی از چنان کار بر خود گماشتم اول پودی آنکار بطور واضح
و آشکارا در حالتیکه در تعارض استغال با اصل آن داشته بشم
تقاب نمودن آن بدون هر گونه سوال به جواب هر چند که از او مسلم در بطی ندانست بشم
ثابت صد رای و صلاح خود در امری که او را موافق با آن مصالح ندانم حرکت نمایم
و اصرار تاقی در اجرای آن بنایم بلکه بطور دستور العمل مستقیم به تقاب و پروی آن

کوشش بنایم پاریس

از داری که مستمع شد بازه کی دستور العمل جدیدی از چنین بر ما کو پس تشنگی است

شاد الیه اکنون در کار است که از دو انگلیس با جمعی یکی دینا این نامه را بدست و نامه تقدیم

ناید ملاحظات خبرال گردون در خطه

سودان

چنانچه خطه سودان را متار که نماید لابد قطعه شرقی از انام است برگاه شرقی بود
رکت و به سیدی یا غسانی را گذار شود در نگاه واری شدر سمر اشدلی بهم خواهد رسید

لیکن بواسطه بعضی اجوات متار که گردان و دار فورانم است ولی نومی و اقبیر
رو و نیل ایمن و شمالی سارونم است مخالفت شود و صورتیکه سیدی به
سوی شمالی وادی عقد حرکت نماید جای خوف و اندیش است بر کس این حرکت
مستعدی به مخاطب بعد نیسی امکان است در آنوقت اندیشه دیگری روی خواهد داد

و سبب این اندیشه وقت اقتدار استقامت که در رویی خود و شمالی که خلی از عایای خود را
یا قه در آنجا در بر آورده پس بلا و مصریه بجان برسد آنچه را تمهید رکت
و کو تا بهی نماید آنها را بر انجام رسانند این شرارت و نا امنی که از سیدی انگلیس
معین است که از غالب طوایف و مشایخ عوام هم بطور خواهد رسید اینجا هم شای

باختستان دارد و خواهد آمد ششصدی بافت ریشوش و جوشش عربستان و سوریه
شده اعلان نامه ثانی که بشام رسیده مرده مرا تحریک میکند برای یک رکت از آن
نقطه افران نمایند هرگاه نقطه شرقی سودان و اگر از بتمندی شود شکلی نیست که چسبند
احزاب بر مرده جانب بجا بر شوش خواهند آمد لابد اندر رکتها بواسطه خط خود
اقدامات بجای آورند چنانچه حکمیری نمایند یعنی است رفته رفته چسبند و مرده بتمندی
بجای ششوی خواهد کشید چنانچه غیر رسد که دایه نقطه را مستحکام داده و آنجا را
یک صدی در مقابل ریش ششصدی گذارده شود بمسچین و مقابل امراض هم صدی
گذارده شود هر چند که حکمیری این نوعی بواسطه استحکامات دارد و دایه ششوی
نیستوان گرفت دایه خسته در نزد هر یک از اشخاصی که آگاهی از غسل مصر و سایر
ممالک شرقی دارند واضح است که خالی نمودن سودان ششوی از بتمندی استیاسی خود مرده
حکمرانی آنها خالی از عاقله و صده نخواهد بود در اینجا سوال دیگری میشود حکومت مصر
ششوی از قشون در عاقله خود دارد آیا این معدود قسایل چه کاری از پیش خواهد برداشت
آیا حکومت مصر در ولایات دارد و بجز خوال و عاقله کردستان و بتمندی و بانی کردان

تقصیر آنها ششواطاعت حکمران خود میباشد بواسطه اطاعت آنها میخواهد
آنها را اگر عاقله این قضا و قدر نماید هرگاه حکم ثانی که آنها بودی نقطه را بتمندی نمایند
لیکن مسافت گونه در که عاقله خود مقدار یکروز و پانصد میل است و از عاقله خود آوادی باشد
سجده چاه میل مسافت است در این زمان چگونگی این ششوی از عاقله خود آوادی
از این مسافت از عاقله خود می تواند حرکت به آوادیات دیگر چسبند و بتمندی
آنها را بتمندی این مقدار را بشمارند و در که المانی دارد پانی که در آن پانمانی و دایه نقطه ششوی
و بتمندی داده باشد آیا بتمندی از بتمندی آنها ششوی و غیره و اطمینان آورده
هرگاه از دایه این بتمندی ششوی و از مسافت دارد و دایه ششوی از بتمندی خود را بتمندی
نمیشد و از بتمندی بتمندی آنها را بتمندی عاقله خود خواهد کرد بلکه جان خود را هم به بتمندی
بتمندی هر چند پیری که در خصوص ششوی از بتمندی بتمندی ششوی و بتمندی خواهد بود
از آنکه از دایه و بتمندی در مقابل بتمندی نخواهند بود تو باید بتمندی تقسیم و اشیاء ثانی
یا آنچه بر از جان کنند ششوی از عاقله خود را بتمندی بتمندی این ششوی از عاقله خود
که ششوی هر چند که چندان دشواری و صعوبتی هم نخواهد داشت

وقت اردو نامی سندی قیامت در کم گشته خوابش هرگاه در حضور کشیدن اردو
از آنجا و سار که از خط سودا گران صادر شود بر آید در امت و است این قلم بهر ملک عایب ملک
شرق علی کلی روی خواهد داد عده این بلایه بر جاده طرمیت بلایه نسبت بگوشت
این همه اشکاش می سودان بر واسطه ضعف و اتقانی مهر است

بسیب اتقانی این بود که در مرتبه اول به رکاف اردو بجهت یکس پاشا نداشتند
لیکن بر آنجا نسبی که بعد از ظهور آمدن محافظه از اوقات سرچیده راه اتفاق پیش گرفته اقامت
کردند طرف مغربی سودان بجای از دست رها شد در صورتیکه یک دست
قوی برست شرقی گذارده شود و احتمال نگذاشته آنها و مهر میرود و باید که فوری خلی میرای برکن
بشود آنوقت ازین خواهید پرسیده باید کرد و جواب خواهم گفت
اینکار بعد از نوبار پاشا بگذارد زیرا که نوبار پاشا یکی از جمله وزرای دانشمند و بزرگ
و از بزرگترین و سیه و خنده خارج اهل دارد و او را این کار با شرف است زیرا که قابل کارهای بزرگ
و قوی پاشا او را در انطباق آراوی و میداد است که شمار از دسیه میانی

مستخلص نماید و تحت خدیوی نور استیقام و شمارا بحد نوی بایدار و برقرار دارد

بسیب آنست که او را ریاست آنجا مقرر نمایند زیرا که شایسته است مملکت خود را
در صورت و اینکه در آن امور آنها بیارست نوبار پاشا ظاهر میباید و چپ که برادر و بر شوکت
قانونی باشد یا آنکه خارج از قانون می توان بر نوبار پاشا اتفاق نمود من می توانم ضمانت نیام
در کار کشا و این آنکه ماند از عده کاری بری آید بر آنکه آن کار را بعد از خود نخواهد گرفت اگر
نوبار پاشا بعد گرفت آن کار را به دست برین صورتی از جهت حقوق ماندن آن مملکت خواهد بود

هر کج که نوبار پاشا در خصوص تکیه خارج مصلحت بداند به دین چگونه خواهی قبول میباید

بقیه محاوره خدیو مصر با جبرائیل نسیب کلکس

در شتر از خود خواهد داشت با وجود این مرا ضعیف و ناتوان پنداشته این شتر
باید از همان باحصان من برایش که هرگاه احیا با همالقی کرده باشم راه دیگری من نیابند
چنین چندی احوال ماندم بهر حال که این کیفیت را در حق من میباید قریب به صد قیامت
دولت انجلیس بی احوال خواهد شد زیرا که جبهه شرقی و مغرب احوال مردم است
الطافی جمعیت خواهند ماند زیرا که در حال محبت مانده نامی نور ارتقا و منظر میباید

و چنان جمعیت خواهند ماند هرگاه بطور شود و بطول امور قضاوت خود را نخواهند گذرانند

صاحب جهان بی بیعت خوانند ماند
 هرگاه در امور را بفرمود و نهایت عدالت و انصاف را مرقی دارد
 هر چه از این طریق جمعیت خوانند ماند
 و دست استالیا بجهت خوانند افتاد
 یکی از دست را بجهت مگر می بینم
 آیا دلیلیست که نام شخصی یا جمعیست خواهد بود
 آنکه یک بطور چشم و بعدی مگر می بیند
 و با مردم بطور چشم و غضب قرار می یابد
 آنکه یک قبل سوال و جواب پیش می کشد پس آن جوابی شود
 اینچنین کسی یا جمعیست خواهد بود
 زیرا که مظهر و آن است ظلم و بعدی آب مخالفت و معادست نه اند
 هر چه که از حرکت
 یکی در از حقیقت و معنیت است
 مالا نام است بطور پاره پاره یا مایه و مایه خرد
 حرکت در میانیم
 در به انانی ملک خود را برتری دسیم
 لیکن وضع مایه نیست
 که تا پس سال و یک امید و آنگاه و آتش را فایه ملک خود شویم
 پس از این محاذ
 کیفیت سودا را پیش آوردم
 و با او اظهار نمود که دیگر صاحب بکماله در خصوص کردن جان و
 دار و ثروت
 تا آنکه نا آنگاه ارادت و حرف نغمه دهم
 بلکه خواند آن ملک طلیع آفتابیت
 معجزه قوی شده اند

نظر به سوادان ششانی و حسب ملکی پیچیده از سواد عل بر اثر مرده و فایه متعذر شد

و حال آنکه آنجا را باران برست می آید
 اینجا که آنرا از دست ششانی با عاید
 داشته اکنون لازم است از پس دسیم
 هر چه که از بودن یا نبودن آن اقصیت
 حکومت مورد دفع و مرقی خواهد بود
 با وجود انظار و دست انگلیس در سار که عازم مردم
 مجلس این پیچیده از این خسته و رضایت می تواند داشت
 بلکه پردی راه نامی ۳
 و آنکه آن نیست و آید فایه زیرا که خود از این گاهی اوقات خواهد بود
 و زمانه و بسیار می کشد که دست انگلیس خیال دارد صاحب منصبان خود را و مصر علاوه
 لیکن در صورت قوی این کار شکی نیست که اسباب بدین شیوه میسر خواهد شد

پایس

یکی از روزها فاجات دانسته میزید
 و بعد از آنکه قطع شود این ششانی و کله در دست ششانی شود
 شکی نیست که اسباب بدین شیوه عالم در دست خواهد شد
 زیرا که روح این همه آشوب را انقلاب
 و مظهر و آن از همین برده و فرشان شده
 و بعد از آنکه آنجا را مجدداً در دست ششانی و کله
 یعنی است عمل برده و فرشی و آنجا شیوه یا شش قوت خواهد گرفت

و زمانه آن دانسته میزید
 هرگاه از قطع سوادان و شهر عازم مردم و ششانی و کله

در وقت دست بست خيال در باب استقامت دست در نيت حاليه را و نيتي را که در کيشه
 پنهان شده و بي شرم خواهد ماند بلکه در شرف و صبر بر تمام آن در پاي انجام شکست خواهد شد
 بسبب زوال سلف از پايان خواهد بود اگر دول ادب را هم بشود که پرت و دلت شانی
 مالک آن قضا نصیب شود آنکه سعی باشد که در باره شکست خالی باشد و چندین متبل
 کار برده شد و آینه نبود و لایق خواهد ماند آن خارج کراف که در آن شکست کشی یا بطل آید
 حاصل و پناه به سیکر

و پ ن

اعلیت پسر طوطا طریس تخی بر مردون کلاه مرقوم و از خدمات جدیدی که در این سند شده اخبار
 اتمان کرده اند تفصیل از این قرار است مردون کلاه مردمان با سبایت خاطر بسعی و
 خاطر خای و شادمانی از این سبب باگیری جدیدی که در این سند و قطعات بسته و هر یک در
 یک کپشت و دخت بمل آمده خود را یک تخت میدانم با وجودی که بجهت اعلانی که در این
 امانی انجامیده است و امدادات مجدده روسای نظامی بر روی جبهه آرا که شرف نموند
 مختصره تا در استخر ساختم که حساسی مرا جزا را بدون و آن ایسل جزا را مکران انجام و چنان

به بار این یک یک مناسب منصب کشوری و سایر روسای دیگر که در این باب سند نگذاشته
 کرده اند الهی را مانی

کافی تن کرده و مرخصی در سه حریف شهر و یک مالک و مکر که در جمله حصا آن مجلس ارتشک است
 و بعد از بزرگ جنگ در این صاحب منصبان باین و حاکم شهر و نیز و بعضی از صاحب
 منصبان طریس و غیره حاضر بودند خوش آهنگ و ناگه این بود که باید عجب در باره و دانی که
 در اینجا با حکومت وارد و نا سیکر در هر صاحب رسد تنگنای راجل و اسیر بات جید
 الا شرح داده شود (در این یک تم تنگنای شبک و نیت پلاش) زیرا که به
 بعضی ملاحظات تنگنای راجل بیشتر از سایر تنگنای دیگر است کافی تن شایه
 پس از آن در باره بعضی مجالس دیگر مکر کرده و نیز از آن رنود که قسمی از همین تنگنای
 ایسل در مالک و نانه و قسمی دیگر در مالک روسیه معمول است و حال آنکه هر
 آنها از اشراعات دولت طریس است

پطرز بورغ

با وجودیکه و غالب روزها با جات شهر پطرز بورغ و سایر مالک در باب رفع صدقه و آیت و با

بود ملک روس متاندهای متعدد نوشته اند باز هم بواسطه فتوح خود بکشتن آنها در کابل
کارهای بزرگ باعث بر شک و صدائاتی گردید. آتش بعضی حصه هردیان در دل غالب
روسیها شعل گردید. است بواسطه کشته شدن کلنل سواکین و دایر دولت روسیه
غالب انگار خود را حرف امور و اخلاقی می کنند و به امورات عاجز پندار می نمایند

مصر

یک کشتی تجاری مدیترانه که موسوم به **طافا** و حامل اردوی امدادی جهت سواکین بود در بنایسکه
موسوم به ابوکیس و در نزدیکی سواکین بود رسیده و متوجه شکسته است و دعوای آن سالما جان جبر
بود. لیکن منافع تجارت و قافله که به اردو باز ستاده شده بود خسارتی بخرق آورده
از جانب جدید پسر پاشا امری صادر شده که شهر قاهره و سیاحت را تخلیه نماید اردو
ساختاری آنها را پرورده نماید و مجلس شورای وزیران که در خصوص واکذا کردن سواکین
هم در میان آمده لیکن در خصوص شهر مصر مذاکره نشده حکومت مصر چنین سعی دارد
هر چه است که بهتر باشد سواران ترک نماید زیرا که حرکت دادن توپها و سایر مهمات شقیه را قیام
و دشواری و غالی از قاهره و اشکال تمام بود از قاهره اخبار رسیده در دولت و احوال

مصر علیا تازه یکی شورش را نقوب بر سر رسیده طوایف بدی خبیث دست درازی و
و دیر می کنند حاکمهای آنجا ملوکاتشون امدادی خواسته اند

کافندی از ستر جان کوک به روزنامه پیمس رسیده

به رقم روزنامه پیمس می نویسد که در خصوص رنجی که در بیت المقدس باشد و متعلق بکافان و
قدیمی است و یکی از نسخ روزنامهجات خود می نویسد و در توضیح است **تفصیل** آن از این
قرار است همان دست در میان ملک ما واقع است و در این باب ملک و شریفیت که در
آن زمان مملکت فیهان دولت عثمانی را برپا می شد در یک آن دست بر زمین ریخته
و چنین آثار آن را حال خیل از شاه و یک بانی و یک آن دست ریخته که برین همه قصص مافوق آن
در خیل شاه بانی بزرگ آنرا با آهین کلان چرخ کرده حکم صادر می نمود که بکون شود
و راه تو را برشته در حالتیکه بیعت در پیش رنجی و نیکو در اسلام قبول آید بود از آنجا
که اندک وقت را پیش جو کردیم و نف پاشا که در آنوقت والی شد او را بشیم بود
جمع خدمت های بزرگ آنجا را جمع کرد که مقیدی در کجا داری و دستور از آن دست نمایند
و همچنین المنار بود که آب و دام مرکب از اهالی که از قوه امن برآید از چند استقامت آن دست

بنام لیکن و پاشینوات که اینطرب را نه ماضی دارد و همچنین راضی بود بر اینکه
اینطرب را کسی مانع ندارد احزاب آنها اتحاد کاملی را اینباب دارند و دارند انداخته
شان و تقسیم میگردانند و چند سال قبل چند نفر از طایفه احزاب موسوم به **انجمن**
جهتین و خت سار که در کشته گردیدند

مصر

وضع ملک مصر یک قسمی است که قیاس دارم که هر چه دیگر بوده از روی کار برداشته شود
وزرای سابق از جاهای خود برخاسته و در ایامی دینی رجائاتی آنها نصب و برقرار گردید و اند
نوبار پاشا نام اختیار کار بدست خود گرفته که از این رو میتوان گفت بواسطه تسخیر و فتح در
سابق حالت ملک مصر در بر ترقی خوانم بود خیالات اشخاصی که حرکات نفائی
و انواع شخصی دارند بعد دم و نابود خواهد گشت اعتبار و احترام نوبار پاشا و یکی
مالک انگلستان و فرانسه و استقامت شدیدی بهم رسانید لیکن از وضع حال
و طبیعت ارض خود که اصلی او است دست بردار نخواهد بود و این باب بشکی نیست هرگاه
اطالی مصر را محو یا قهر در آشتن بکنند و زراعتی از ملک مسیحی بجهت ملک خود تعیین نمایند

مصر

یقین است که یک هو الخلیف را قبول خواهند کرد و اگر که چنین از برای سپو بیکاری نیست
خواهد برداشت بلکه مورد سخریه و استزای مردم خواهد گردید هرگاه از امنانی و غیره
دولت الخلیف از آنها موقوف شود و مرایه اسباب نمود و ادوات آنها با غالب مالکیت او
خواهد گشت عجمه قیاس پاشا شخصی داشتند و مال اندیش و خیر خواه ملک است
از این وضع تغییر دادن وزیرای خود حالت ملکیت را از دست میدهد که همین اعلی درجه
است است یقیناً حکیم که ملک سودان نسبت بمصر مانند یک کللی است
و هرگاه آنها را رکن نمایند مثل آنست که کلای مصر مصر برداشته شود غالب آنها مردم
معتدش و بر اینکه در این زمان مامولی از ملک مصر نخواهد بود و بر اینکه در وای ساعی آنها
عاز طومانات هستند هم در این اوان بواسطه بعضی تقاضای مصر که در برده و روشی اقتدار
سابق شخصی دارند خلیف آنها را گوناگون بشهر عاز طوم فرستاده میشود که بهین جهت رفت
آن احب و در غالب آن مالک نقشه میگرد و و یکی تار که سودا از مصلحتی اند
بلکه با پشت گرمی و دلیری طوائف یا غیاث آنها میشود که در مقابل قشون مصر
دست با سکه میریزند در ساعت تکیه قشون مصری از شهر خرطوم طوائف آنها را عازت

نمود پس آن آتش خراشیدند و جمع زیادی از آنان بی شور و طعنان بی چه از کس جان
خود و دست از خانه خود برداشتند بجای دیگر آواره شده اند غالب مردمان آنجا در حالت
حرکت از آن شهر شده اند حیث خانه اعراب و بر باد بسیاری کار باطل و مصائب گریخته
چنانچه بر آب و درونی که مسکین عبادت و قوت استقامت آنها بر اسطه مقدار قلیلی
آذوقه است محافظت میشود چنانچه که هیچ وجه آنها را غفلت و اعتماد و اطمینان نمینماید و اینست
یک معارضه مستحق توبه محراب بر رفته خواهند شد لیکن باید دانست که چگونه آن
سیاهان و سیاهان آب و علف خود خواهند کرد و چنانچه در زمی قبل جانی که موسوم به
جریه و در رویی بر واقع است بدست اعراب طایفه بشان تاخت و تاراج شد
جسیع طایفه اعراب شیرازی خود را بجایانی بعینه فرستاده اند آیا اینصورت
چگونه میتوان از سیاهان و همادیل مسافت در سیاهان ریک را بی آب و علف از خرطوم
برگشت و کمی از خاک را نیز مسبر نماید و جان خود را از این چنگ گنجات وید
در صورتیکه اعراب در احکام و تکیه نمودن صابر شود و ضلالت برنگی برگردن آنها و غول
آنها باید متحمل باشند و این فوق العاده نگردد چرا که بطوری که شاید و سزاوارست و این

این کار را او اسم آورده بلکنین کان دارم که آن واقعه دشت ایگره آن حادثه است
که در محراب یکس پاشا روی داد و در صورت تجدیدی باید

حیثی را فی اریه که رعایای دولت فرانسه و آلمان است و آن مالکها میمانند

آیا دولت های آسیا و سیکنه از آن پشاهان گشته شوند بدون مطالبه خون آنها دولت
انگلیس محض خاطر یک نفر قتل که در دست داشت و او را محبوس ساخته بودند پس کلی همان
کرد و نیشی از دیات بشت جین واسطه مسخره استیلا کرد و شهر خرطوم هم قتل دولت
فرانسه و هم دولت اطیش اقامت دارند و همان استقامتی که دولت انگلیس در خصوص قتل
خود کرد و بشت داشت اکنون دولتی را الیها در باب شهر خرطوم دارند ما انگلیسها را باز کرد
دولت خارجی را در هر اوضاع این کار و عصبیت تمام آثار بر سر این حد و قلیل گشتیهای بخاری که
ریشه از شیر و الی چاره فروخته شده چه خواهد آمد میتوان گفت که بود و عمارتی شهر بر
آنها از حق و یا خراج خود نادانمیکه طایان آب در کار است بیچون گشتیها را
او گشت و به بلندی آب نمی تواند روانه شود

آیا از جانب حکومت مصر پیکر پاشا مکتبی شده است که از متاع دست نخورده و هرگاه در این

ملکی صادر شود و یقین است آنکه خواندنی که برین میریزد و جمعه و شنبات ملکوت مشارالیه خواهد
بود هر چه که دست برداشتن از سودان یسیر به سبل و آسان بفرماید و در صورتی که
آن در تصرف و استیلا آید آن وقت دیگر فایده ای ندارد و خواهد آمد لیکن این حالت
مضر باشد و وقت چه باید کرد سرحد ملک چنانچه مشغول بر وفاداری است که در دوختن باشد
تا حیثیات ایشان که دارد و شود که بزرگوار آنکه در مصر می خواهد بود

که در این صورت ملکی سودان متصرفی مصر حاکم است و آنکه در طرف شرقی نیل
واقع است چنانچه اکنون همین سوال است و ساحل مغربی رود نیکو بجای سرحد
برقرار خواهد شد چنان بفرمایند که با وجود برادران که جانشانی مصریان بینای آنها خواهد
کرد و حفاظت ملک مصر و نگه داری خطه سودان بدست با قوت و سطوت عمان
دولتی شود که جزیره کبیر استرالیاراد در حالتی که عالی از هر گونه اقامتی نوع انسانی بود و آباد
در جمعیت که در سالها با آنها مایات از آنها آمده می کند ممالک امریکای استو
استیلا نموده برق اقتدار خود را در آنجا برافراشت خطه وسیع و معموره
چند ستار به تدریجی صانع ضابطه استیلا کرده قوت و سطوت خود را در آنجا محکم

و در آن روز که این قتل سوار که باعث براتس و قوت احوال تجارت عموم مردم روی
این است که نگه داری و محافظت میکند زیرا که مصریان از این جانب برای خود جایی
برند بلکه از راه جبل و صحرای خود را برستان میزند که هر چه جوی می باشد و ستیای
خود و دیگر حاصل می نمایند برود

اخبار ملکرانی روزنامهجات انگلیسی ۱۸۸۸ ۱۲ اکتوبر

از جانب جنوبی که ساحلی شهر خرطوم احبار شده که حیاتی کلیه شهر مزبور شود
در این حرکت لشکری که تیرگیه شهر خرطوم نزدیک است بمل آید چینی صد مات درخت
بفرمایند که شش در حمل و نقل اشیا اقله و توپهای سنگین در آن بلکه هجوم و حمله آوردن
اعوان یاغی بر جا که چاره مضمون است

خط ملکرانی فی این سنه و خرطوم قطع گردیده مونک گنگ

از و آزارهای که از مانوی رسیده ایتال کورت در کار حرکت کردن بسوی شهر نیل
از و مانوی چینی خود اجتمع آوری کرده از شهر کو انگ سی بسوی جنوب حرکت میکنند
انگاری که در خصوص عبور و مرور کشتیها از رودخانه کنتون اینچنی با بیطرفی و نظردارند

اکنون از قوه جنس میاورند یک قوت از دوی پستی که مقدار شش را در تنش بسوی بزرگ
نات حرکت میکنند زیرا که دوت وانه قصه ضبط و استیلا آنها را دارد

براسطه براتی که ریس سیاه پرغان در این قاره آفری بر داشته اند دولت چین یک نفر
صاحب منصب چینی که موسوم به **لین** است ریاست آنها مقرر و تعیین کرده است

ماسکاو

جسلی از تاسیسی که در هر سه الکبرای شهر ماسکاو مشغول تحصیل بودند چون که مکان بر
شد که آنها را قبل از وقت از واقع قتل کاسل سواد کین اطلاع داشته بودند بترتیب حکومت
کوشا گردید و چند روز قبل از علینت اسرا طور روئس باز در محله خود از شهر **ناشیا**
بسوی اطراف نون مراجعت فرموده یوم قبل رسم تبریک و تهنیت سه جدید از قاره مغول در
محل مخصوص بجا آوردند

مونگ کنگ

بوجب اخبار تلگرافی که از یپانگ رسیده کلسل **ریون** دل خینی از جماعت شینان
نزدیکی نام دین شکست داده آنها را تسکین نموده است مسیور یکا از شهر **مور**

مراجعت نموده است وزیر اموریت خود مایل گردیده معاهده سابقه که که فیاچین
دولت فرانسه و پادشاه چوئیه بود با تمام رسایه

مونگ کنگ

از قاره اخبار یک مکتوب از نام دنیا بهرنگ کنگ رسیده در شب نهم و دهم ماه **آوانو**
جماعت زیاده از دزدان گسیدی بریدر مرز هجوم و حمله آورده جمع گیری از مالی آنها را مقول و
مخرب ساخته و مبلغ تحقیری از اموال مالی هم بجات وینا برده خینی خانه های آنها را آتش زده
دو دوک و دسته های شورشیانی که در واقع شهرت نامی را نگه گردیده بودند

جسلی آوری میکند

یک کشتی تجاری موسوم به **ملوک** متعلق بیکانی بجزی اعصاب در جانی که به **بحیرة الف** مشرف
خوش شده که بهین واسطه راه عبور و مرور کشتیهای دیگر سخت شده از میزان **آنگ**
که آکشیان نه شده کاسه گردیده از جانب کپانی شاکت قاتل سویر خینی به اسیر دنیا
بکار برده میشود که رفع این خسارت را از خود نمایند

از اسلامبول

از قرار است یک در اسد مبول به اوار و منجه شریزند رسیدگیانی که عام ملک است
هستد مگر از بسا در بغار یار واد شود آنها را کراستین خواست گذار و کند این بعد از این
طریق بندر **بامشورس** و دار ویندال مازم خواهند شد

بلوچستان

سر برت ساندیان که در درناجات قبل از در و دایان شهر خاران بر دست دار از خان
افغان داده بودیم چند یوم قبل از خاران بسوی **پانچور** حرکت کرد در آن اقامت نمود و در
شهر خاران نیکی کار ای لازم صورت داد و نیکی حد و مشخص و معین گردانید سر و آرا
خان بهر ای شادانیه شهر پانچور حرکت کرد که در آنجا میر خاں را ملاقات نمایند و بعضی از
ایشان نیست که بهیچ وجه و نه که میانه این دو حکومت است در میان آورند
حکومت خاران با بلوچستان خوب و قابل در تصرف دارد و در میان افغانستان و ایران بلوچستان
واقع است و سرحد خاران قریب پانچور یکی رودخانه **میلند میرت** ایر شیر علیان
حاکم سابق افغانستان کمال محبت و اتحاد با آرا و خان داشت و او را چنین امداد میکرد
چنانچه وقت و به از اسلحه و مهمات و دیگر همین آسایش و امنیت آنها باعث بر تقویت

و امانت نماید مقصود دولت انگلیس خواهد بود

فرانسه و انگلیس و مصر

یکی از جمله در رای بر یک مجلس پارلمنت فرانسه معاند و بلوچستان به معاند فرانسه و بلوچستان
در سر افکار نمود که تفصیل آن ازین قرار است و اقله قلی الکبر که در چند ماه قبل از این
واقع شد باعث بر نحو و نابود کردن جمیع رعات و صدمات همه علی ایش که در حضور نگاه
دار می داشتند مصر متعده می گردید و برده شد نه تنها باعث برانگیز و پس رفت ملک
مصر گردید بلکه سبب زوال اقدار و تسلط دولین فرانسه و انگلیس هم شد
برچ کبط یقین میسر آن گفت که عرب و بر در این فاطمه حالیه از دولت انگلیس و فرانسه
آنطبق و سلوک حکمرانی که حدیو در سودان جاری نمود و بجهت توسعه و پیش رفت نیست
و انستین شمر و معید بود وضع کار را یک قسمی کرده بود که از جهه دار و دست
مالی اروپا چنین آمده و از بهر حاصل بود که رفته رفته تجارت و تسلط امانی اروپا
تا طرف اوقیانوس جنوبی و اوقیانوس مرکزی و وسعت داده بودند و برچ که حکمرانی
و تسلط مصریان در قطر سودان از رای چپه ان قوت و تقو می نمود و لیکن با هم

برگزیری و عدم اتساع بوده و روشی شده بود و اکنون همگی آنرا بر طرف و باور داشته
 که همین جهت بدلت انگلیس واجب و سرافراز است که فاین حکومت مصر و سودان جدا
 افکند و تقریباً دولت فرانسه آنهم بدقت که کار از او منقلب شده بطوریکه
 همچو بدستور این حرکات مفاخره اخیر دولت انگلیس که درباره آنملکت پیش میاد خود
 نموده استماعی نماید قصد دولت انگلیس این نیست که گناه این حقوق دولت فرانسه
 نماید بلکه خیال دارد در قهقهه مقامه باطنی خود را آشکار نماید زیرا که طرفدارای
 فرانسه را وطنیه خود میدانند تازه کی رقیبی از همه صاحبان طلب داده شده
 دولت انگلیس انصافیت خود نمایند که همین جهت لازم است دولت فرانسه انکار
 از این نماید

ترقی و تربیت جدید هندوستان از انوید از روزنامه میل انگلیسی ترجمه شده

در یکی از روزنامهات انگلیسی شرح مبسوطی در خصوص تربیت و پرورش اشخاص صاحبان
 صنایع و حرف املی هندوستان یافته شد تفصیل از این قرار است ترجمه

خیالاتی که مدت و سال قبل به اینطرف دولت انگلیس در باب وسعت و قوت دادن
 علوم و معارف و صنایع هندوستان در خاطر خود آورده و غالبی از بزرگان آنملکت نیز
 نهایت اشتیاق در این باب حاصل کرده اند اکنون نزدیک است که از قوه بفعل نماید چنانچه
 که در زمان استبدادی انگلیس قطعه هندوستان مانند یک جسمیه چانی بوده و از آنوقت تاکنون
 قهر شده چانی بدست آورده امر صیاحات و خطیات و زراعات و میل و شکر و غیره
 در آنجا قوت کاملی گرفته با وجود اینکه تازه کی یکد را پونی که شتابی حسنی مطالبه
 و بدو قیصر و صواب دید خیر حوالان ملکت بود و اپورت مدکوش تا بر سید پت
 و سه باو است که غالب آنرا از ملکت پنجاب است با پنجاه رشید و لندن
 و سال قبل در سر کلکته در مجلس فواید مسوی مدکره و در خصوص مواد مذکوره در میان
 آمد میلک محض وقت در سیه کی و صفت ساختن را بورت نموده اند و شهادت آنست
 که در این جا در مجلس وزارت فواید و علوم وقت و نور برستی شده پس از آن باو
 مطالب آن پرداختند

برده فروشی

در ماه ادرگست ^{۱۳۷۷} از جانب اسماعیل پاشا نه یوسف بق فرمانی در شهر اسکندریه
شریف پاشا میر و امصار رسید. اول ماه و طلب آن فرمان متار که و اشیاء کاغذی
فروشی از بخش خواه از ارباب زنجبار و خواه از ارباب حبش از شهر آسوان تا میانه اسکندریه
بود که مدت استماع این برده فروشی به دو روز مهال امتداد یابد و نهایت وقت
در این باب باید بعمل آید که در جمیع ایالات مصر این فرمان جاری و مقرر گردد

چنانکه در چابال قبل دولت انجلس در این خیال افتاد و قبل از سایر دول و ملل
در این کار خود حکومت مصر بنا بر معاهده که با دولت انجلس ثبت لازم گردید که در صدور
رفع و استماع از این کار بر آید اکنون هفت سال از زمان انعقاد آن معاهده گذشته
و بحسب توفیق پاشا نه یوسف حالیه مصر خلی موافقت و همراهی با دولت انجلس در این باب
دارد و در واقع انمطلب از جهت این در زاری حاضر هیچگونه دشواری نمی نماید

زیرا که چنین شخص با کفایتی مانند نواریا پاشا برایت آسانتر است این اوقات
اعلان نامه که مشتمل بر چند ماده است در انبیا نشر خواهند کرد که تفصیل مواز آن اعلان
نامه از قرار ذیل است (اولاً) بعد از اخبار و محبت مدت دو روز و ماه باید جمیع علماء

الکثران ملک مصر آرا شوند (ثانیاً) آنکه آنها را از امت می دهند و بکارهای
سخت آنها را و از این که باید در زیر یک قانون جزائی گرفتار گردند (ثالثاً) جمیع
کثیرنایک را در دست نهاده در تحت یک مجرای و معرزی در هر خانه که بخواهند خدمت کنند می نمایند
(رابعاً) دخول و خروج رنجیان از طریق ملک مصر یا از مرزهای رعا و دیگر در صورتیکه
کس ارضی نباشد موقوف و متروک ماند اطراف این اقدامی که پسر پاشا و شخص اشاع
و بر طرف کردن برده فروشی پیش نهاد خود کرده اکنون وضع دیگری بهرستایند

بنا بر نهی که از دستر کلیه در سیه تازه کی یک مجلسی که مشتمل بر چند نفر از اخواه پادشاهت
بود و در مصر منع گردید عمل این اشخاص نیست که سرمایه از جهت خارج این کار فراهم آورند
اکنون خلی از بزرگان سر نشین و خانهای قهریه و عده داده اند که هر یک بخواهر حال
در برتال از صد لیره کمتر یا بیشتر بپردازند و در این کار بهرست بعین نزدیکی یک و قرائت
نامه باز خواهند شد و هر کس بقدر وسع و اقتدار خود در برتال مبلغی بخواهند داد
چه مالی انگلستان و چه اشخاص خارجه که قصد برده فروشی هستند بر قسم که ممکن است
چه از پول و چه از چیزهای دیگر در این باب ساعی خواهند شد زیرا که همین امرت برنگی

بناام انسانیت خوانند و انت ایجابت خیر خواه برهنه که قادر باشد حکومت مطر
و اداری میکند که در این باب خیلی کوشش و جهد بعمل آورد

وین

درودالچی جدید دولت روس ملین در اینجا اهمیت حاصل کرده چنان بزرگتر
که این بزرگتره میامین دولتین روس و انگلیس در باب کیفیت ممرات

اخبار ملگروانی که از خرطوم رسیده

در شهر خرطوم که بجانب رفته بود در مرتبه ممرات که در شالیه و بعضی از خرطوم آشنا
همه جایا بود که انواب یا بنی ستون های خط لکرات را قائلانند و سرگون نموده اند

جمع شیخ انواب اخبار معتبت به متعده کرده اند در در ملک شخص احوالی در حالتیکه مقدار
زیادی بادره کچون خیزه بود کوشاکر کرد قشون سلطوی بواسطه ترسیدن مواجیهایی که
در غوغا و آشوب و بر آشفته خاطر میباشند علاوه از نصف آنجا نزدیک بیانی گری شده اند
از هزاریکه مسیح شد مقدار ششاد چهار هزار نفر از اهل العبد بسوی شهر خرطوم حرکت
کرده و کما آمدن هستند متعده ای با صاحب منصبان خود در راه آنها را مقابل خوانند کرد

لکه تعذرت

یکی از انواب منصبان آنک که در دعوی لاشک حاضر بود پس از چند روز آورده بودند در پان
لایه بار دوی متعده ای تلقی شده اکنون در ماموریت و خدمت متعده ای مشغول است
قسمت بزرگی در بار دوی متعده ای از العبد بسوی طایه انواب کبابش که الحار هم طایفه
به متعده ای میگردند و در راه میگردند

ایران موجب اخباری که از جنرال قشون انگلیس میمید را بشهر رسیده نسبت به
در ۱۸۸۵ و ادوستان نواسی از انسابی قبل جانی نیست شده تها از انسد که از خارج
و در می شدنی انجلیستافی متعده بود ولی از انسد داخل پس چو چایه و حامسی متعده نیست
انسد خارج هم از شدت و غر و فراوانی آن که هر روزه متعده از کلی دارد و مشهور باشد بر
ترن کلی گردیده بواسطه ترن قیمت افیون در مالک خارج سبب ضعف حال کجا آنها را
شده است هر روزه متعده از کلی از جنوبات و کشتیها بار و پ حمل میشود هم قوت
و انس و ایره تجارت اموال داخل بسوی خارج بواسطه بی موالاتی و کم توجهی حکومت آنهاست
و همچنین بواسطه بد رفتاری اشخاص از احتکار میباشند که کلی خود را داخل کنیم کرده
میفرستند مشروبات فری و دروغی کاخینی مطلوب طرات معنی از قبیل س قطع

و غیره خیلی محتاج الیه است محل بنا کو بناج در ریاست فصل صید در هر جیب
انگوش واقع نشد و دوسته ای خارجی در حالت ناسیدی است لیکن حجت
احرام شتران آمده از دیوشان اسید واری حاصل است

وینده ۱۱۰ رانویه از آنجیکه کرب کالوخی رسیده سید و وزیرستان دولت
دولت برلین که حسب انکاشا حضرت امپراطور اطریش به ویند دعوت شده بود
مفنون است در نوردهم ایسم انیاء بونیه آمده باشد با وجود این در روزهای
شهر پراگ ویند این ساقوت رایج اجیت داده خانی از هر گونه پوشیک میداند
خواجهت بر استقامت و مسامت اروپا بودن دیگر هیچکس باقی نماند و در ملاحظه دارند

اطریش و ایطالی

یکی از روزهای ممالک ایطالی میکار و که ساقوت امپراطور اطریش ممالک ایطالی خوش
خریده بلکه بر این نزدیکی شهر مناسبت خواهند نمود اینک در بعضی روزهای
ظاهر شده بود اعلیحضرت امپراطور اطریش از باز دید یکجک حضرت پادشاه ایطالی صرف
نظر کرده است اصلی ندارد زیرا که خود اعلیحضرت معظم الیه اطریش را داشته و اجازت داده

که با کمال میل و خاطر خانی در شهر **تورین** ملاقات خواهند آمد

دوم در پمیت دوم همین ماه پارلیمنت دولت ایطالی مجدداً منعقد میشود
وزیرستان دولت ایطالی قسیم در بارچین که مرسوم به **سینکوردی نوکامپا** است
مجدداً به شهر چین مراجعت خواهد کرد

مصر موجب تمکونی که از اسد قبول به قاهره و از آنجا به لندن رسیده یک تغییر کلیتاً
در سیاست ایطالی و مصر صورت بهر سببیده به این منی که دولت انگلیس حسی اطناسی
و حجت خودت بخند میکند

بولنگ کنگ بواسطه محاصره نمودن فرانسه شهر کانتون را در دوا رسی
کامل حاصل شده لیکن امانی شهر از این فقره خیلی شوش و اندوه خاطر شده
از داراجب ریک از امیرال کوربت رسیده به دون محفل بلکه در کمال تعجیل اردوی
خود را بسوی کجین حرکت و گسیل خواهد داد

کانتون روسای ولایات نوای شهر کانتون حسی ممانت جک و انیم می
والان در کار کشیدن یک خط تمکونی از شهر **کان** تا سرحد ممکن میباشند فرانکو می

کانون اعلامهای متعدده و با امالی اطراف و جواب نوشته آنها را غیب میکند که مقام برها
جنگ و ازم آورده که با و آن را با محاصره نموده و با همدیگر اتفاق نمایند

پاریس روزنامه بخار و غیبت که مداکره فیما بین دولین فرانسه و چین حبه و ادیان
خواهد آمد و تحصیل مداکره از این قرار است اگر کار و یا شهر گنگ سون باید به حدیث
که متصل بکات دولت چین است باید مدد شود که از این قرار معلوم میشود خطر حسد
از محل جریان رود خانه سوگت کی گویم تا کو با لگت تمد خواهد شد که از آنجا بسوی تها کوان
که بر جانب رود خانه تانگ کوی است میرود که از این جا تا هر گنگت کوی سیل فاصله دارد
دولت چین در باره اشخاص سیاه پرتان چینی اظهار محبت میکند هم چنین دولت
چین امنیت و نگاهداری کشیتانیکه در رود خانه کوانگ کوی تا لاو کای حضور و میسر میکنند
در حسد گرفته است از قراریکه دولت فرانسه آگاه شده دولت انگلیس در دولت
چین امر دارد که بموجب همین قرار داد جدید قبول و تمکین نماید

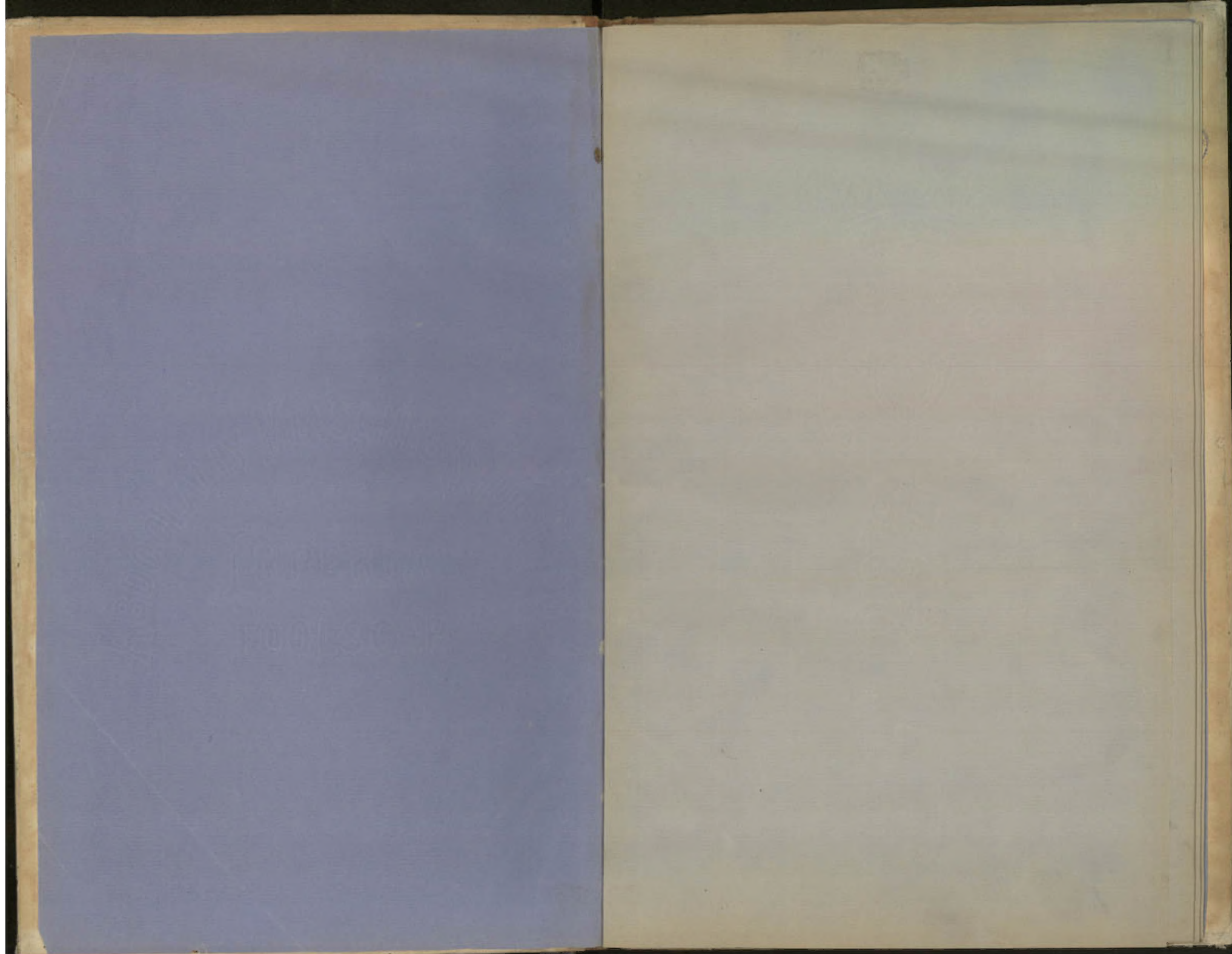
از قرار تلگرافی که در روز امیرال مایور بوزیر بکر فرانسه رسیده از امالی هوک گنگت سون
اطمینان و اطمینان واری حاصل است در دمای بحر بستی تعاقب میشود رفته رفته از آنها

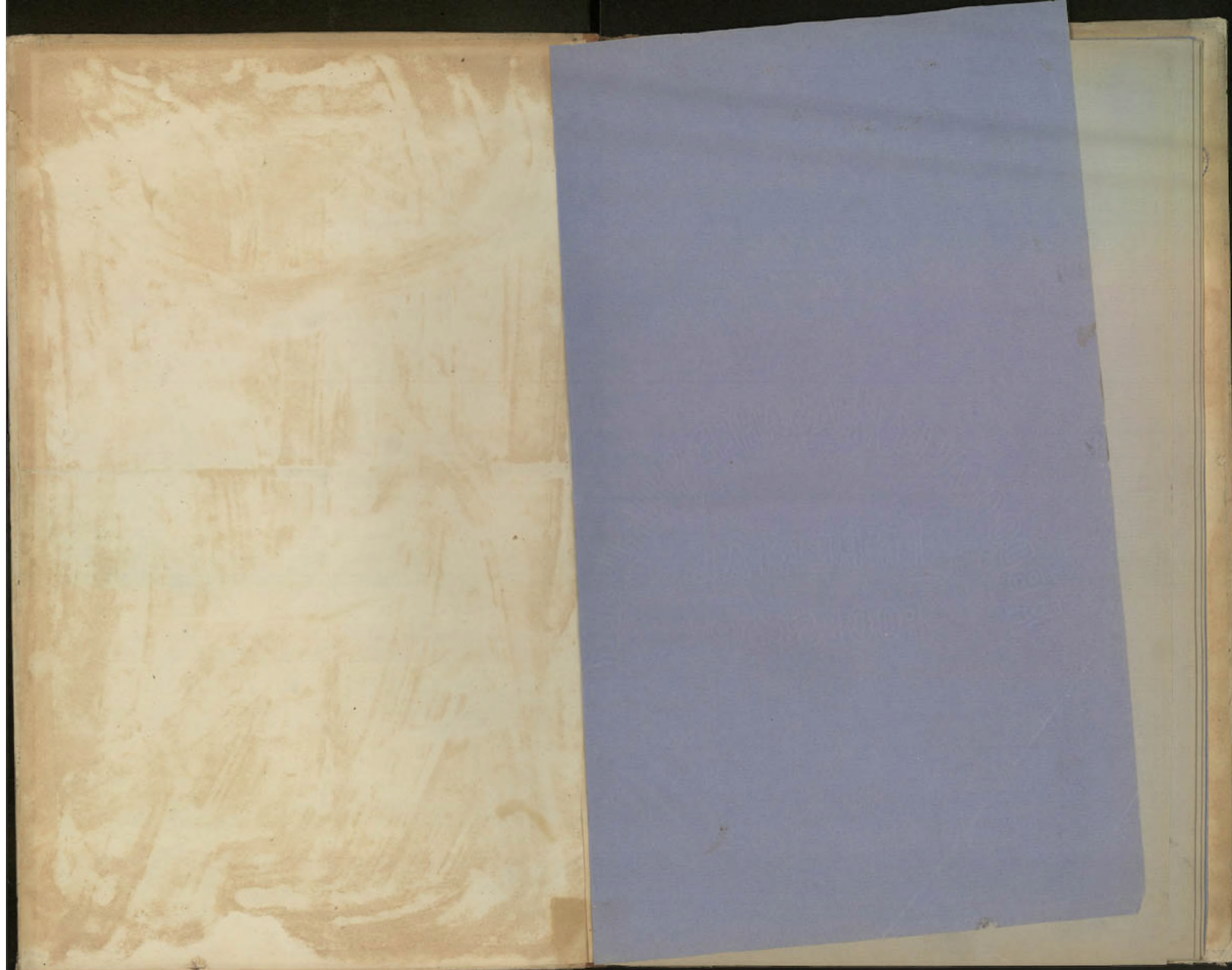


احدی در آن دلیلاً باقی نماند امالی اروپایی ساکنین آنجا بواسطه تسلط قشون دولت
فرانسه همگی خوشحال و مسرورند بورد و داردی فرانسه به تنگ کششای جنوب کاتولیک
شروع در مسافرت بسوی مملکت جنوبی دولت چین خواهند کرد قطعه کوانگ سی امالی
آنجا بر خانه رئیس کششای کاتولیک ریشه خانه اورا به بنابر ده اند حسن گیری از کشان
در مقام حمایت رئیس خود بر آید و بودند تجمعی سخی برداشته بعضی از آنها کشته گردیده اند
دولت چین بجهت استرداد اسباب کشش مزبور مطالبه محبت برادرانک میکند احتمال
میرود کشش مزبور که مرسوم بر **فادر پرنیت** میباشد بکانون مراجعت و میسرند

پاریس مستودتس رئیس و با سرامورات قال سوز با سیر روریس وین دکیل
صاحب کشیتای انگلیسی در محاوره و مداکره خود موافقت کرده قبول قرار داد طرفین را نموده اند
چنین دولت انگلیس کتبی به سیمو تسس نوشته اظهار رضامندی خود را از معاهده مذکور
کرده است و در اظهار نموده امید آنکه رفع همه محذورات شده و بعد کار که مایه بخش طرفین باشد
ترجمه چاکر جان نثار میر محمد و کارانی مترجم سیمو تسس
که از روز مراجعت ترجمه گردیده پنجم جلدی است









۴۲۰۳

کتابخانه ملی
۲۶۸۲